

مطالعه تطبیقی مسائل زنان حاشیه‌نشین به منظور

مدیریت آسیب‌های اجتماعی

اسداله نقدی^۱ و صادق زارع^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۵/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۳۸۹/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: در این مقاله تلاش شده است تا نتایج پیمایش محققان درباره مسائل زنان حاشیه‌نشین در محله جعفرآباد کرمانشاه و مناطق حاشیه همدان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. **روش:** محققان در این تحقیق از روش مطالعه پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته‌اند. حجم نمونه شامل ۱۵۴ نفر از زنان حاشیه‌نشین کرمانشاه و ۲۱۵ نفر از زنان در نواحی حاشیه همدان می‌باشد. **یافته:** نتایج این بررسی نشان می‌دهد که زنان دارای وضعیت تحصیلات پایینی هستند، اقتصادی خانوار و مسکن زیر استاندارد است و بُعد خانوار و باروری زنان بالا است. تعلق شهروندی متوسط تا کم می‌باشد. آسیب‌های اجتماعی به‌طور کلی و زنان به‌طور خاص در این مناطق زیاد بوده و نهایتاً اینکه رضایت از مدیریت شهری در بین زنان حاشیه‌نشین نیز اندک است. **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های استنباطی تحقیق نیز کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند، معتقد بوده‌اند که میزان آسیب‌های اجتماعی در محله زیاد می‌باشد برعکس کسانی که سابقه سکونت کم‌تری در محله داشته‌اند میزان آسیب‌های اجتماعی در محله را پایین می‌داشته‌اند. همچنین کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند در مقایسه با کسانی که سکونت کم‌تری داشته‌اند، دارای تعداد فرزندان بیشتری بوده‌اند. مسن‌ترها رضایت کم‌تری نسبت به جوان‌ترها از عملکرد نهادهای رسمی داشته‌اند اما مشارکت اجتماعی‌شان نسبت به جوان‌ترها بیشتر بوده است.

واژگان کلیدی:

حاشیه‌نشینی، زنان، مدیریت شهری، جعفرآباد، محلات حاشیه همدان، مدیریت آسیب‌های اجتماعی

□ استناد: نقدی، اسداله؛ زارع، صادق (۱۳۹۰، زمستان). مطالعه تطبیقی مسائل زنان حاشیه‌نشین به منظور مدیریت آسیب‌های اجتماعی.

فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶(۴)، ۵۵۳-۳۷۴.

۱- دانشجویار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا naghdi@basu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه بوعلی سینا s_zare63@yahoo.com

مقدمه

بخش قابل توجهی از جمعیت شهری جهان را در هزاره سوم حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند: در حال حاضر از هر ۶ نفر جمعیت جهان یک نفر، یعنی حدود یک میلیارد نفر در حاشیه و زاغه‌ها زندگی می‌کنند (ایزوتسو^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). در ایران پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته، پدیده حاشیه‌نشینی به‌وجود آمد و رشد آن عمدتاً از سال ۱۳۲۰ به بعد شدت یافت (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۲).

به‌طوری‌که امروزه بر اساس برآوردها بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر از جمعیت ۴۰ میلیون نفری سکنه شهری کشور در چنین مناطقی سکونت دارند (نقدی، ۱۳۸۸). پیدایش این شکل از اسکان شهری معلول اجرای برنامه‌های نوسازی، ورود نفت به اقتصاد ایران و تمرکزگرایی شدید و شهر محوری برنامه‌های توسعه بوده است به‌گونه‌ای که به اعتقاد برخی محققان حاشیه‌نشینی از آثار و پیامدهای شهرنشینی شتابان و گسترده است (اعتماد، ۱۳۸۲: ۳). به‌عبارت دیگر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران این امر بیشتر معلول فروپاشی کشاورزی و اختلاف سطح زندگی بین شهر و روستا است. سیاست‌های ملی توسعه اقتصادی و اجتماعی از جمله سیاست‌های مربوط به اشتغال، مسکن و ایجاد واحدهای خدمات عمومی، سیاست‌های مربوط به واردات و قیمت‌گذاری مواد غذایی، چگونگی تأمین بهداشت، آموزش و تسهیلات، گذران اوقات فراغت، اغلب به گسترده‌تر شدن فاصله سطح زندگی بین شهر و روستا و تشدید مهاجرت‌های روستایی و در نهایت به بروز حاشیه‌نشینی می‌انجامد.

در بین مناطق حاشیه‌نشین ایران، جعفرآباد کرمانشاه یکی از بزرگ‌ترین و مسئله‌دارترین نقاط حاشیه حداقل در غرب کشور می‌باشد، به‌گونه‌ای که این محله جمعیتی حدود پنجاه هزار نفر را در خود جای داده است. همدان هم به نوبه خود مهاجرین بسیاری را در نقاط حاشیه خود مانند دیزج و حصار اسکان سکونت داده است هرچند در مقایسه با جعفرآباد کرمانشاه همدان وضعیت بهتری دارد اما به‌رحال در مقایسه با متن شهر همدان، حاشیه‌ها فاقد استانداردهای لازم هستند و برخی مناطق مانند خضر و دیزج از بُعد آسیب‌های اجتماعی در وضعیت ویژه‌ای قرار دارند. ظهور این حاشیه‌ها ناشی از رشد شتابان و بی‌رویه شهری در دو شهر مذکور است. رشد شهری در کرمانشاه طی ۵۰ سال اخیر چشمگیر بوده به‌طوری‌که جمعیت شهر از ۱۲۵۴۳۹ نفر در ۱۳۳۵ به ۷۹۴۸۶۳ در سال ۱۳۸۵ رسیده و در حال حاضر نزدیک به یک میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده است که ۲۲۵۰۹۷ نفر یعنی حدود ۲۵ درصد آن را حاشیه‌نشینان تشکیل داده‌اند (سقای، ۱۳۸۸)؛ در همدان هم وضعیت مشابهی طی شده است به‌گونه‌ای که

جمعیت شهر از ۹۹۹۰۹ نفر به حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر رسیده که حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر یعنی تقریباً ۳۰ درصد کل خانوارهای شهر همدان را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند.

تقریباً نیمی از این جمعیت‌های قابل توجه در هر دو شهر را زنان تشکیل می‌دهند؛ چراکه یکی از اشکال مهم مهاجرت‌های منجر به حاشیه‌نشینی، مهاجرت خانوادگی یا به تعبیر زنجانی (۱۳۷۱) مهاجرت تبعی می‌باشد که شامل زنان و دختران هم می‌گردد. بنابراین زنان از گروه‌های عمده تشکیل‌دهنده حاشیه‌نشینان کشور محسوب می‌شوند. آنان اگرچه به ظاهر تصمیم‌گیرنده اصلی در مهاجرت‌های روستا به شهر نیستند، اما شهرگرایی در میان زنان بالاتر و بیشتر است و اغلب از ترغیب‌کنندگان اصلی خانوارها به مهاجرت می‌باشند. در حال حاضر الگوهای مهاجرت تغییراتی داشته است تا حدی که امروزه یکی از مهم‌ترین روندها در مهاجرت، ورود زنان به جریان‌های مهاجرت است. تا دو دهه قبل، در تحقیقات و مداخلات سیاسی در مورد مهاجرت، جنسیت به‌عنوان یک مقوله تحلیلی در نظر گرفته نمی‌شد. این بی‌توجهی بر این فرض مبتنی بود که مهاجرت‌ها بیشتر جریانی مردانه و مهاجرت زنان فقط در ارتباط با مهاجرت‌های خانواده است، اما در دهه‌های اخیر حدود نیمی از مهاجران زنان هستند. زنان در هر دو مهاجرت‌های بین‌المللی و داخلی حضور زیادی داشته‌اند و سرعت زنانه شدن از دو دهه اخیر افزایش یافته است (سنگرا، ۲۰۰۳؛ به نقل از محمودیان، حجیه بی‌بی رازقی و کارگر شورکی، ۱۳۸۸).

در مناطق حاشیه و سکونت‌گاه‌های غیررسمی موقعیت زنان مهاجر روستایی با مهاجران مرد متفاوت می‌باشد و معمولاً زنان از مشقت زندگی روستایی که در آن دوشادوش مردان خود کار می‌کردند، آزاد شده و در شهر فرصت بیشتری برای راهی‌ای از رنج‌های پیشین یافته و به همین دلیل انتظار می‌رود که میزان رضایت آن‌ها از مهاجرت و شهری شدن بیش از مردان بوده باشد. البته این سخن به معنای بهبودی کامل شرایط یا دسترسی به همه استانداردهای زندگی نیست، به گونه‌ای که گاهی زنان در چنبره انواعی از آسیب‌های اجتماعی و فقر و نداری در شهرهای بزرگ و کوچک گرفتار می‌شوند که این امر دارای پیامدهای بسیاری برای شهر و حاشیه و به تبع آن مدیریت شهری می‌باشد. با عنایت به مطالب فوق و همچنین با توجه به اینکه زنان در برنامه‌های ساماندهی حاشیه‌ها و نیز توانمندسازی حاشیه‌نشینان که توسط سازمان‌های بین‌المللی اجرا می‌شود، یکی از گروه‌های هدف اصلی محسوب می‌گردند (نقدی، ۱۳۸۴) از همین‌رو این تحقیق تلاشی است برای بررسی شهر و حاشیه و مسائل آن از نگاه و دید زنان حاشیه‌نشین.

پیشینه تحقیق

در بین پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه حاشیه‌نشینی، کمتر پژوهشی به‌طور خاص زنان حاشیه‌نشین را مورد بررسی قرار داده است و فقط در خلال پژوهش به این مقوله نیز پرداخته‌اند که در

ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

نقدی (۱۳۸۴) در تحقیقی به بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی و مسائل آن در شهر همدان می‌پردازد و این مسائل را در سه دسته: ۱- مسائل اقتصادی، شامل مسکن، شغل، درآمد، بیکاری و سایر مسائل مربوطه؛ ۲- مسائل فرهنگی - اجتماعی، مشتمل بر انحرافات اجتماعی، عدم مشارکت و نداشتن روحیه شهروندی، متغیرهای فرهنگی، و نداليسم، فقر و...؛ ۳- مسائل کالبدی و زیرساختی ترسیم نموده است. در این تحقیق مشکلات زنان و دختران حاشیه‌نشین، آسیب‌های اجتماعی خاص زنان، رفتارهای باروری زنان و رضایت و آرزوهای زنان حاشیه‌نشین نیز به‌عنوان بخشی از تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. ربانی و افشارکهن (۱۳۸۱) در یک پژوهش میدانی به بررسی حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری در منطقه ارزنان اصفهان پرداختند. هدف از این پژوهش، بررسی دو عامل حاشیه‌نشینی و مشارکت که نقشی کلیدی در ایجاد، تداوم، گستره و ویژگی‌های مسائل اجتماعی شهری دارند، بوده است. یافته‌های این بررسی نشان داده که مشارکت اجتماعی بین ساکنان محله بسیار اندک بوده (۲ درصد) و ۹۸ درصد پاسخ‌گویان در هیچ‌گونه فعالیت دسته‌جمعی و گروهی شرکت نداشته‌اند؛ بیش از ۸۰ درصد حاشیه‌نشین‌ها به طریقی با ناهنجاری‌ها از جمله پدیده قاچاق مواد مخدر، خشونت‌های جنسی و غیره سر و کار داشته‌اند و همچنین بیکاری و فقر فرهنگی - آموزشی منطقه موجب آپاندیس ناهنجاری برای شهر اصفهان شده است.

یکی از معتبرترین مطالعات و مراجع بین‌المللی مرتبط با مسائل حاشیه‌نشینان جهان گزارش چالش‌های حاشیه‌نشینی است که در سال ۲۰۰۳ در نایروبی کنیا توسط اسکان بشر سازمان ملل منتشر شد. گزارش فوق به بیان وضعیت اشتغال، بهداشت، مسکن، امنیت و سایر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی حاشیه‌ها در اغلب نقاط جهان پرداخته است و در آن به وضعیت زنان نیز اشاره شده است. در این گزارش بیان گردیده که زنان و کودکان در حاشیه‌ها بزرگ‌ترین قربانی هستند. زنان از آموزش و پایگاه اجتماعی پایین‌تر، ساعت کاری طولانی‌تر و تحرک کمتری نسبت به مردان برخوردارند. همچنین موضوعاتی مانند مشارکت زنان، اشتغال و خوداشتغالی زنان در حاشیه‌ها، برنامه‌های خاص زنان، تبعیض علیه زنان و... نیز بیان گردیده است (هابیتت، ۲۰۰۳).

ماگار^۱ (۲۰۰۳) نیز به بررسی توانمندسازی زنان در حاشیه‌های دهلی در برابر خشونت‌های خانگی پرداخته است. او همچنین سوء استفاده‌های جنسی و فیزیکی از زنان را بررسی کرده و ضمن مطالعه نقش‌های سنتی زنان در حاشیه‌های دهلی از طریق مصاحبه با اعضا^۲ NGOهای فعال در امور زنان

1. Magar

2. Non-Governmental Organization

حاشیه‌نشین، فهرستی از مسائل زنان حاشیه و خشونت علیه آنان را معرفی کرده است. الدرینگ^۱ و نورث^۲ (۲۰۰۷) به بررسی حاشیه‌نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آن‌ها در اروپای غربی پرداخته‌اند. این تحقیق بیان می‌کند که جوانان مهاجر حاشیه‌نشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در معرض خطر هستند. همچنین مشکلات و مسائل خانواده‌های مهاجر در اروپای شمال غربی، به ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که خانوارهای مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار تعارض و ناهماهنگی فرهنگی می‌شوند (الدرینگ و نورث، ۲۰۰۷؛ به نقل از زاهد زاهدانی و آذرگون، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۲). هزاریکا^۳ بر اساس پیمایش ملی سلامت خانواده در هند با یک نمونه ۴۸۲۷ نفری از زنان ۱۵ تا ۴۹ سال به بررسی و مقایسه ارتباط بین متغیرهای اجتماعی و جمعیتی با بهداشت باروری در میان زنان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین پرداخته است و تفاوت معنی‌داری بین باروری زنان حاشیه و غیرحاشیه‌نشین را بر اساس سن، تحصیلات و وضعیت اقتصادی و... گزارش کرده است (هزاریکا، ۲۰۱۰).

مبانی نظری تحقیق

پدیده حاشیه‌نشینی و انسان‌های حاشیه‌نشین در حوزه‌های مختلف و مکاتب گوناگون در علوم اجتماعی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری از زوایای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی برای تبیین این پدیده می‌توان نظریه‌های ذیل را بیان نمود:

یکی از تئوری‌های مهم برای بررسی رفتار در جوامع سنتی و فقیر مانند حاشیه‌های شهری، تئوری فرهنگ فقر است. از نظر اسکار لوییس^۴ (۱۳۵۳) شرکت نکردن افراد فقیر در کار مؤسسات عمومی، پایین بودن سطح سواد، پایین بودن سطح خواسته‌ها و... برخی از ویژگی‌های فرهنگ فقر می‌باشد. فرهنگ فقر در سطح اجتماعات محلی و کوچک از نظر لوییس به‌صورت خانه‌های خراب، ازدحام، درهم‌جوشی مردم، نبودن تشکیلات و سازمان‌هایی که دامنه گسترش و نفوذشان به ورای محدوده خانواده برسد، مجسم می‌شود. البته وی بیان می‌کند که گاهیگاهی در محلات فقیرنشین، دسته‌بندی‌های موقتی و غیررسمی یا انجمن‌های داوطلبانه برای کارهای خیریه و عمومی دیده می‌شود که می‌تواند پیشرفتی در زندگی اجتماعی این مردم و عاملی برای دور شدن از فرهنگ فقر به‌شمار آید (لوییس، ۱۳۵۳).

1. Eldering
2. Knorth
3. Hazarika
4. Oscar lewis

یکی دیگر از نظریه‌هایی که می‌تواند زندگی حاشیه‌نشینی را تبیین نماید، نظریه «تله محرومیت»^۱ می‌باشد. چمبرز در این نظریه از پنج خوشه نامساعد نام می‌برد که با یکدیگر در ارتباط بوده و تقویت‌کننده همدیگر هستند و بسان زنجیرهایی به دست و پای افراد فقیر و به تبع آن سکنه حاشیه‌نشین تنیده شده‌اند: ۱- فقر (با معرف‌هایی همچون فقدان دارایی، سرپناه‌های ساخته شده از چوب، گل، خشت، حصیر، وسایل آشپزی ساده، توالت غیربهداشتی، اخذ وام از همسایگان، لباس‌های پاره و مندرس، بهره‌وری پایین، ساعت کار زیاد به‌خصوص در مورد زنان با کارایی بسیار کم، کار کودکان، یک زندگی بخور و نمیر)، ۲- ضعف جسمانی (نجیف و لاغر بودن اعضای خانواده، بیمار بودن اعضای خانواده به‌دلیل سوء تغذیه و ابتلاء به بیماری‌های انگلی، ضعیف بودن نوزادان و... از جمله معرف‌ها و شاخص‌های این خوشه می‌باشد)، ۳- انزوای خانوار (این خوشه شامل معرف‌هایی از قبیل بیگانه بودن خانوار نسبت به دنیای خارج، بی‌اطلاعی از حوادث و اتفاقات پیرامون به دلیل بی‌سوادی، محدود بودن مسافرت‌ها و... می‌باشد)، ۴- محرومیت و آسیب‌پذیری (این خوشه شامل ناچیز بودن ذخیره‌های غذایی، ناچیز بودن سرمایه‌های نقدی خانوار و آسیب‌پذیر بودن در برابر بیماری‌ها) و ۵- بی‌قدرتی خانوار (از جمله معرف‌های این خوشه می‌توان به عدم شناخت قانون، عدم آگاهی حقوقی، فقدان قدرت چانه‌زنی، بی‌قدرتی در دسترسی به کمک‌های دولتی و... اشاره کرد) (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۸-۸۲).

تامس^۲ نخستین چهره برجسته و بنیانگذار مکتب شیکاگو، تحقیقات اجتماعی خود را بر مشکلات شهر شیکاگو به ویژه بر موضوع‌هایی چون مهاجران، زنان، گروه‌های اقلیت قومی، انحرافات اجتماعی و غیره آغاز کرد. تامس از سال ۱۹۱۴ به کمک زنانیسی^۳ به بررسی دهقانان لهستانی در اروپا و آمریکا پرداخت. بدین ترتیب آنان گروهی از مفاهیم را مطرح کردند که مهم‌ترین آن‌ها علاوه بر مفهوم نگرش، دو مفهوم نومیدی و سازمان‌زدایی اجتماعی بود. به زعم آن‌ها این دو مفهوم در پی ارائه تصویری از ذهنیت و روحیه مهاجرانی هستند که تمام پیوندهای حیاتی خود را با چارچوب‌های اجتماعی (روستا) و ملی (لهستان) خود از دست داده‌اند و دچار سردرگمی و نومیدی شده و مستعد انحرافات اجتماعی و سقوط اخلاقی و گرفتار شدن در فقر و تنگدستی هستند. تامس و زنانیسی در اثر خود نشان دادند که در مرحله اول مهاجرت، افراد نسل نخست، با از دست دادن ریشه‌های اخلاقی و تکیه‌گاه‌های اجتماعی خود به شدت ضربه خورده و دچار بی‌ثباتی شخصیتی شده و روی به الکلیسم و انحراف می‌آورند و سرانجام در فقر فرو می‌روند. در حالی که در مرحله بعدی، افراد نسل دوم با از میان رفتن آثار بی‌ثباتی اخلاقی، وارد عمل شده

1. Snare privation
2. W.I.Thomas
3. Florian Znaniecki

و گروه‌های جوان خرده‌فرهنگ‌های فعال را تشکیل می‌دهند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۸۲).

ویلیام وایت^۱ یکی دیگر از متفکران مکتب شیکاگو در کتاب معروف خود «جامعه کنار خیابان» مدعی است که در محلات حاشیه‌نشین کنترل رسمی چندان کارساز نیست و احتمالاً به پلیس و نمایندگان دولتی هم، بی‌اعتنایی و بی‌احترامی می‌شود ولی کنترل غیررسمی از طریق گروه‌های سنی، جنسی و قومی اعمال می‌شود. در محله فقیرنشین بزهکاری و جرم و جنایت شایع است ولی این اعمال در بسیاری از موارد وسیله‌ای است برای تحرک اجتماعی کسانی که از طریق قانونی نمی‌توانند به ارزش‌های جامعه دست پیدا کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶).

از نظر ارنست برگس^۲ ما در شهر شاهد تفاوت‌یابی‌هایی هستیم که گروه‌های مختلف را به وجود آورده‌اند. جدا شدن گروه‌های اجتماعی و اقتصادی از یکدیگر به آن‌ها محلی مشخص در شهر می‌دهد و حاصل این فرایند شخصیت گرفتن پهنه‌های خاصی در شهر است که به همین دلیل افراد و فعالیت‌هایی را به خود جذب یا از خود دفع می‌کنند. افراد بر اساس تقسیم اقتصادی مشاغل، طبقات اجتماعی و گروه‌های فرهنگی در شهر جای می‌گیرند و ممکن است موقعیت برخی از آن‌ها با یکدیگر متعارض باشد. برگس بر آن بود که تحلیل مشکلات شهری از جمله انحرافات اجتماعی و بزهکاری‌های جوانان را باید از خلال تبلورهای فضایی آن‌ها انجام داد (فکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶-۱۸۸).

همان‌طوری که ملاحظه می‌شود در نظریه‌های فوق هیچ توجه خاصی بر مسائل زنان حاشیه‌نشین به‌طور خاص نشده است. این مطالعه امیدوار است فتح بایی باشد برای پرداختن بیشتر به مسائل زنان حاشیه‌نشین که لازمه طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی حاشیه‌نشینان است. بنابراین باید به‌جای مطالعه سنتی حاشیه‌نشینان، به‌صورت تخصصی بر نسل دوم مهاجران، زنان، کودکان و سایر گروه‌های خاص متمرکز شد. از سوی دیگر در اهداف هزاره سازمان ملل نیز بر بهبود وضعیت حاشیه‌نشینان به‌ویژه زنان و دختران در این مناطق تاکید شده است و مسائلی مانند آموزش و اشتغال و بهداشت زنان حاشیه‌نشین به دولت‌ها توصیه شده است.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲. باروری زنانی که سابقه سکونت بیشتری در حاشیه دارند، متفاوت از آن‌هایی است که به‌تازگی در حاشیه اسکان یافته‌اند.

1. W. White

2. Ernest. W. Burgess

۳. بین سابقه سکونت، سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد.

۴. بین سن با مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی رابطه وجود دارد.

روش

در این بررسی ضمن بهره‌گیری از نتایج سرشماری‌ها و آمارهای موجود درباره حاشیه‌نشینی در کشور و شهر همدان و کرمانشاه، از روش جمع‌آوری داده‌ها از طریق پیمایش سودجسته‌ایم. همچنین از روش مشاهده، فیش‌برداری از اسناد و مدارک، مصاحبه‌های عمقی و آزاد برای جمع‌آوری اطلاعات کیفی نیز استفاده شده است. در این تحقیق جامعه مورد بررسی از بُعد جغرافیایی عبارت بود از: مناطق حاشیه شهر همدان که به‌صورت یک نوار کمربندی از جنوب شرقی تا شمال غرب شهر همدان عمدتاً در حاشیه محور ملایر و سنندج و محله جعفرآباد که در محدوده جنوب شهر کرمانشاه واقع شده است. حجم نمونه مورد بررسی با استفاده از فرمول کوکران در همدان ۲۱۵ نفر و در کرمانشاه ۱۵۳ نفر از زنان حاشیه‌نشین تعیین گردید که در مجموع ۳۶۸ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. همچنین در این تحقیق برای اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری اطلاعات از «پرسشنامه محقق ساخته» استفاده شده است.

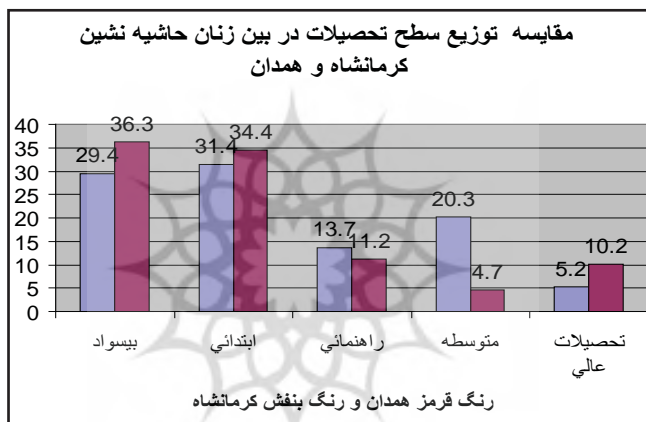
یافته‌ها

در این بخش داده‌های حاصل از دو پیمایش در شهرهای یاد شده توصیف خواهد شد که شامل اطلاعات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان، برخی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای شهری در محلات مورد بررسی و فهرستی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات زنان و دختران می‌باشد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان

براساس یافته‌ها، توزیع سنی زنان حاشیه‌نشین جعفرآباد نشان می‌دهد که بیشترین گروه سنی را زنان ۳۱ تا ۴۰ سال و کمترین را زنان ۶۱ ساله به بالا تشکیل می‌دهند. در مورد توزیع گروه سنی زنان حاشیه‌نشین همدان نیز، زنان ۳۱ تا ۴۰ سال با ۳۳/۵ درصد بیشترین و ۶۱ سال به بالا با ۳/۷ درصد کمترین گروه را شامل شده است. همچنین حداقل و حداکثر سن زنان حاشیه‌نشین جعفرآباد کرمانشاه به ترتیب ۱۶ و ۷۰ سال می‌باشد با میانگین ۳۳/۶۸ سال و در مناطق حاشیه‌نشین همدان حداقل و حداکثر سن زنان به ترتیب ۱۵ و ۹۵ سال و میانگین سنی ۳۶/۲۴ بوده است. نکته مهم در تفسیر داده‌های فوق ساخت سنی بسیار جوان در این مناطق است و حدود ۷۰ درصد در همدان و ۷۸ درصد زنان پاسخ‌گو در کرمانشاه زیر چهل سال می‌باشند که نمودار جوان بودن نسبی جمعیت زنان حاشیه‌نشین محله‌های یاد شده می‌باشد. بررسی سطح تحصیلات زنان در محله حاشیه‌نشین جعفرآباد نشان‌دهنده آن است که تحصیلات ابتدایی و

سواد خواندن و نوشتن با ۳۱/۴ درصد بالاترین میزان و زنان دارای تحصیلات عالی با ۵/۲ درصد کمترین سهم را دارند. همچنین ۲۹/۴ درصد زنان این محله بی‌سواد، ۱۳/۷ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و ۲/۳ درصد تحصیلات متوسطه داشته‌اند. بررسی این متغیر در مناطق حاشیه‌نشین همدان نشان می‌دهد که زنان بی‌سواد با ۳۶/۳ درصد بالاترین و تحصیلات متوسطه با ۴/۷ درصد پایین‌ترین میزان تحصیلات را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این ۳۴/۴ درصد زنان این مناطق دارای تحصیلات ابتدایی و خواندن و نوشتن، ۱۱/۲ درصد راهنمایی و تنها ۱۰/۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. نکته قابل توجه نسبت بسیار بالای زنان بی‌سواد و یا دارای سواد ابتدایی است (نزدیک به دو سوم زنان حاشیه‌نشین در هر دو شهر) و این مهم می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های توانمندسازی زنان مورد توجه قرار گیرد.



نمودار ۱. توزیع سطح تحصیلات زنان حاشیه‌نشین

قومیت و وضعیت تأهل

یافته‌ها در زمینه متغیر قومیت نشان می‌دهد که گروه قومی «لک» با ۸۸/۲ اکثریت زنان محله جعفرآباد را در صورت تشکیل داده که این امر نشان‌دهنده پلکانی و منطقه‌ای بودن مهاجرت به حاشیه‌ها است. در مراتب بعدی گروه‌های قومی کرد با ۹/۲ درصد، فارس با ۱/۳ درصد قرار گرفته‌اند. در میان حاشیه‌نشینان همدان گروه قومی ترک با ۵۵/۳ درصد اکثریت و گروه قومی کرد با ۲۴/۷ درصد، فارس با ۱۷/۷ درصد و قومیت لر با ۱/۹ درصد در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. نکته مهم در این زمینه مهاجرت‌های درون استانی به حاشیه‌ها می‌باشد که در جعفرآباد «لک» و در همدان ترک‌های شمال استان می‌باشند که به این مناطق مهاجرت کرده‌اند. نتایج یافته‌ها در مورد وضعیت تأهل حاکی از آن است که در محله جعفرآباد ۶۱/۴ درصد زنان دارای همسر، ۲۷/۵ درصد ازدواج نکرده، ۹/۸ درصد همسرشان فوت کرده و ۷/۰ درصد مطلقه بوده‌اند. در همدان نیز ۸۳/۷ درصد زنان متأهل، ۸/۴ درصد مجرد، ۰/۷ درصد همسرشان فوت شده و ۰/۹

درصد مطلقه بوده‌اند. نسبت ازدواج نکرده‌ها در شهر کرمانشاه نسبتاً بالاست به‌خصوص که سن حداقل پاسخ‌گویان ۱۴ سال و بیشتر بوده است. در ضمن نسبت زنان مطلقه در هر دو شهر قابل توجه می‌باشد.

جدول ۱. مقایسه وضعیت تأهل پاسخ‌گویان

وضعیت تاهل	کرمانشاه	همدان
ازدواج نکرده	۲۷/۵	۸/۴
دارای همسر	۶۱/۴	۸۳/۷
بی‌همسر بر اثر فوت	۹/۸	۰/۷
بی‌همسر بر اثر طلاق	۰/۷	۰/۹

وضعیت مسکن و تسهیلات آن

نمودار ۲ نمایانگر آن است که اکثریت قریب به اتفاق (۹۲ درصد) خانوارهای حاشیه کرمانشاه در خانه‌هایی با ۳ اتاق و کمتر زندگی می‌کنند (در صورتی که بُعد خانوار در بین نمونه مورد بررسی ۶/۴ نفر بوده است!)، و تنها ۶/۶ درصد در خانه‌هایی با ۴ اتاق و بیشتر زندگی می‌کنند. در همدان نیز ۷۸ درصد زنان حاشیه‌نشین در خانه‌های با ۲ اتاق و کمتر، با بُعد خانوار ۵/۶ نفر زندگی می‌کنند. این مهم نشان‌دهنده پایین بودن استانداردهای مسکن از بُعد کمی و البته کیفی در مناطق حاشیه‌نشین مورد بررسی است.



نمودار ۲. مقایسه تعداد اتاق

میزان بالای باروری در نقاط حاشیه سبب افزایش بُعد خانوار از یک سو و به مخاطره انداختن سلامت زنان و کودکان از سوی دیگر می‌شود؛ ناتوانی زنان حاشیه‌نشین از شرایط بد زندگی و باروری بالا ناشی می‌شود (فرگوسن، ۱۹۸۶)^۱. به اعتقاد برخی دیگر از محققان در مناطق کمتر توسعه یافته سطح باروری بالا باعث به مخاطره افتادن سطح دانش، سلامتی، زندگی زنان و غیره می‌شود (مردانی، ۱۳۸۸: ۴۷) بررسی تعداد نفرات در واحدهای مسکونی در محله حاشیه‌نشین کرمانشاه نشان می‌دهد که تنها ۲۱/۶ درصد زنان در خانوارهای ۴ نفره و کمتر، و ۷۸/۴ درصد در خانوارهای ۵ نفره یا بیشتر (تا ۱۲ نفر) زندگی می‌کنند. در میان زنان حاشیه‌نشین همدان نیز تنها ۲۹/۸ درصد زنان در خانوارهای ۴ نفره یا کمتر و ۷۳ درصد در خانوارهای ۵ نفره و بیشتر زندگی می‌کنند. حداقل نفراتی که در یک خانه زندگی می‌کنند در منطقه حاشیه‌نشین جعفرآباد ۲ نفر و حداکثر ۱۵ نفر و میانگین ۶/۴۲ نفر می‌باشند. این در حالی است که در مناطق حاشیه‌نشین همدان حداقل و حداکثر نفراتی که در یک خانه زندگی می‌کنند به ترتیب ۱ و ۱۶ نفر و میانگین ۵/۶۴ نفر می‌باشد. این بُعد خانوار را باید با مساحت خانه‌ها و تعداد اتاق‌های در اختیار هر خانوار مورد توجه قرار داد؛ آن‌گاه تراکم بالای نفرات در هر واحد مسکونی بیشتر نمایان می‌شود و این مهم با توجه به جایگاه مسکن از یک سو و مسائل تربیتی و فرهنگی از سوی دیگر نشان می‌دهد که کیفیت زندگی و سرانه فضاهای سکونتی وضعیت نامناسبی دارد. همچنین وضعیت مالکیت مسکن نشان دهنده آن است که در منطقه حاشیه‌نشین کرمانشاه ۶۹/۳ درصد زنان در خانه‌های ملکی و شخصی و بیش از ۳۰ درصد مستاجر می‌باشند. در همدان نیز ۷۹/۱ درصد در خانه‌های شخصی و ۲۰ درصد مستاجر بوده‌اند. وجود آمار بالای منازل ملکی و شخصی به دلیل پایین بودن قیمت اراضی در این مناطق و همچنین مشکلات زندگی مستاجری بوده است. بررسی نوع سند ملکی در حاشیه‌های دو شهر نشان می‌دهد که در هر دو مورد بیشتر خانه‌های شخصی دارای سند عادی (قولنامه‌ای) بوده‌اند به طوری که در کرمانشاه ۷۱/۹ درصد و در همدان ۶۰/۵ درصد خانه‌ها را شامل شده است. این در حالی است که سند ثبتی (رسمی) در کرمانشاه فقط ۱/۳ درصد و در همدان ۱۸/۶ درصد اسناد را شامل شده است. این امر زمینه انواع اختلافات و کلاهبرداری‌ها و فعالیت‌های واسطه‌گری مستغلات را سبب می‌گردد. یکی از نشانه‌های این امر، وجود تعداد زیاد بنگاه‌های معاملات املاک در این مناطق است و البته دلیل مهم دیگر این نوع از اسناد مالکیت خارج از محدوده‌های قانونی بودن این نواحی است که اساساً در دوره‌های شکل‌گیری فاقد اسناد زمین شهری هستند.

یکی دیگر از شاخص‌های وضعیت مسکن متراژ و سرانه هر نفر می‌باشد. بر مبنای داده‌های این بررسی ۲۸/۱ درصد زنان حاشیه‌نشین کرمانشاهی در خانه‌هایی با متراژ ۵۰ متر یا کمتر زندگی می‌کنند، ۲۶/۸ درصد در خانه‌هایی با متراژ ۵۰ تا ۱۰۰ متر، ۲۰/۳ درصد در خانه‌هایی با متراژ بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر و تنها ۲ درصد در خانه‌های ۱۵۰ متری به بالا زندگی می‌کنند. در مناطق حاشیه‌نشین همدان نیز ۴۲/۸ درصد زنان در خانه‌های بین ۵۰ تا ۱۰۰ متری، حدود ۳۰ درصد در خانه‌هایی با متراژ ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری، ۱۸/۶ درصد در خانه‌های ۱۵۰ متر به بالا و ۲/۸ درصد زنان در خانه‌های زیر ۵۰ متر زندگی می‌کنند. در مورد متغیر زیربنا در حاشیه کرمانشاه حداقل زیربنای خانه پاسخ‌گویان ۱۰ متر و حداکثر ۲۵۰ متر و میانگین زیربنای خانه حدود ۷۹ متر بوده است. در مناطق حاشیه‌نشین همدان نیز حداقل زیربنا ۱۰ متر و حداکثر آن ۴۰۰ متر و میانگینی حدود ۱۲۰ متر را شامل شده است. البته میانگین مسکن یاد شده را نباید جدی تلقی کرد زیرا موارد نادری که متراژ نسبتاً بالایی داشته‌اند باعث افزایش میانگین شده و نیز برخی خانه‌ها به شکل خانه-مزرعه و یا حیاط‌هایی که از زمین‌های کمتر مرغوب این مناطق هستند سبب بالا رفتن این میانگین شده است و همچنین در این مورد نکته مهم‌تر کیفیت مسکن در این نواحی است. یکی از شاخص‌های مهم توسعه شهری دسترسی به خدمات و تسهیلاتی مانند آب شرب بهداشتی و برق پایدار و شبکه حمل و نقل و نیز ارتباطات است. در این خصوص تمام حاشیه کرمانشاه از آب و برق برخوردار بوده‌اند. درصد برخورداری از گاز لوله‌کشی ۷۷/۹ درصد، ۷۴/۵ درصد دارای تلفن و ۶۸/۷ درصد زنان پاسخ‌گو در منزل دارای حمام بوده‌اند. در مناطق حاشیه‌نشین همدان هم‌چنان که داده‌های فوق نشان می‌دهد ۹۷/۲ درصد پاسخ‌گویان از برق برخوردارند، ۹۶/۷ درصد از منزل مسکونی دارای گاز لوله‌کشی، ۹۶/۳ درصد دارای حمام، ۸۶ درصد دارای تلفن و در نهایت ۶۹/۳ درصد دارای آب لوله‌کشی می‌باشند. این مهم یکی از تفاوت‌های حاشیه‌های ایران با مواردی چون نایروبی و دهلی‌نو در مقیاس‌های جهانی است و نیز وضعیت بهتر در مقایسه با برخی حاشیه‌های سایر شهرها مانند اهواز، زاهدان و... است.

امکانات زیر ساختمانی محله

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته، مناطق حاشیه‌نشین هر دو شهر از خدمات تاکسی‌رانی، مرکز بهداشت و درمان، پارک و فضای سبز، خط واحد اتوبوس‌رانی، تلفن عمومی، جمع‌آوری زباله‌ها توسط شهرداری، ایستگاه آتش‌نشانی، دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان برخوردار بوده‌اند. البته کمبودهایی در این زمینه‌ها وجود دارد که در بخش پیشنهادها به آن‌ها اشاره شده است. در زمینه تسهیلات زندگی نیز هم‌چنان که یافته‌ها نشان می‌دهد در کرمانشاه ۹۶/۸ درصد زنان در منزل خود یخچال داشته‌اند، حدود ۸۰

درصد دارای تلویزیون رنگی، ۵۸/۹ درصد دارای ویدئو سی‌دی و تنها ۱/۸ درصد در منزل خود ماشین لباس‌شویی داشته‌اند. در مورد همدان نیز ۹۶/۳ درصد زنان نمونه در منزل خود یخچال، ۸۸/۴ درصد آنان دارای تلویزیون رنگی، ۶۸/۸ درصد دارای ویدئو سی‌دی و ۳۹/۱ درصد آنان در منزل خود ماشین لباس‌شویی داشته‌اند. دسترسی حدود ۶۰ درصد در کرمانشاه و ۷۰ درصد در همدان به ویدئو سی‌دی و داشتن تنها ۱/۳ درصد ماشین لباس‌شویی در کرمانشاه و زیر چهل درصد در همدان تقدم نیازهای بیشتر مردانه بر اولویت‌های زنانه است اگر به‌ویژه به تعداد فرزندان و بُعد خانوار دقت شود که حجم بالای کار زنان در خانه را به‌دنبال دارد، این وضعیت بیشتر قابل درک و توجه خواهد بود.

شرایط اقتصادی خانوار

مطالعه الگوی مصرف خانوار و سبد هزینه آن‌ها یکی از شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی و جایگاه کالاهای اساسی و لوکس در تحلیل وضعیت حاشیه‌نشینان است که در اغلب نقاط دنیا وضعیت مناسبی ندارد؛ وضعیت تغذیه کودکان در حاشیه‌های شهر داکا بسیار نامناسب است و سوء تغذیه محسوس می‌باشد به‌ویژه در خانوارهایی که سرپرست آن‌ها افراد غیر ماهر یا زنان (که ۴۰ درصد را شامل می‌شود) می‌باشد (پریر، ۲۰۰۲).^۱ هم‌چنان‌که یافته‌ها نشان می‌دهد ۷۹/۲ درصد از زنان حاشیه‌نشین کرمانشاه اظهار کرده‌اند که بخش عمده درآمدشان را صرف خوراک و پوشاک می‌کنند؛ ۲۸/۵ درصد درآمد خود را صرف هزینه‌های عمومی یا به عبارتی مخارج خانه، ۲۲/۶ درصد درآمد را صرف کرایه خانه، ۲۱/۴ درصد صرف تحصیلات فرزندان و... کرده‌اند. در میان زنان حاشیه‌نشین همدان نیز ۴۶/۹ درصد پاسخ‌گویان بخش عمده درآمد خود را صرف خوراک و پوشاک، ۲۰ درصد بخش عمده درآمد خود را صرف هزینه‌های عمومی، ۸/۸ درصد نیز بخش عمده درآمد خود را صرف آب، برق، گاز و تلفن و... کرده‌اند. البته روشن است که پرسش به اختصاص بخش عمده درآمد تاکید دارد و معنای آن عدم صرف درآمد در سایر بخش‌ها نیست. نکته مهم در یافته این است که خوراک، پوشاک و اجاره (مسکن) سه رکن اصلی صرف هزینه خانوارهاست. مفهوم این یافته اولویت نیازهای اساسی و البته توقف در همان سطح به تعبیر ابراهام مازلو برای حاشیه‌نشینان است و عدم امکان پرداختن به نیازهای ثانویه ولی مهم مانند اوقات فراغت، آموزش و حتی درمان است.

سنجش رضایت و آرزوهای زنان

تصور عمومی بر این است که حاشیه‌نشینان به دلیل وضعیت بد اقتصادی-اجتماعی زندگی و ویژگی‌های کالبدی محل زندگی‌شان، از میزان رضایت بالایی برخوردار نباشند. در همین زمینه نگاشته پیداست که

میزان رضایت شهروندان می‌تواند مقیاسی برای مدیریت شهری پایدار و حکمرانی خوب شهری باشد. بنابراین ما با این هدف میزان رضایت شهروندان از حوزه‌های مختلف شهری را بررسی نموده‌ایم.

رضایت از زندگی شاید یکی از مهم‌ترین و در عین حال برآیند همه انواع و حوزه‌های رضایت باشد. در میان زنان حاشیه کرمانشاه ۶۲/۱ درصد دارای رضایت متوسط، ۱۱/۸ درصد رضایت زیاد، ۳۵/۵ درصد رضایت کم و یا هیچ‌گونه رضایتی از زندگی در شهر کرمانشاه نداشته‌اند؛ در مناطق حاشیه‌نشین همدان نیز ۳۳ درصد زنان مورد بررسی از زندگی در همدان رضایت ندارند و یا میزان رضایت آن‌ها اندک است. ۵۴ درصد رضایت متوسط، و تنها ۱۳ درصد رضایت زیادی از زندگی در همدان داشته‌اند. رضایت از محله زندگی هم از محورهای مهم است که بر اساس یافته‌های فوق ۵۵/۵ درصد زنان حاشیه‌نشین کرمانشاهی دارای رضایت کم و یا عدم رضایت از زندگی در محله‌شان هستند، و حدود ۳۸ درصد رضایت متوسط بوده‌اند. در میان زنان حاشیه‌نشین همدان نیز حدود ۴۲ درصد دارای رضایت اندک و یا عدم رضایت بوده‌اند، ۴۰/۵ درصد رضایت متوسط، و در نهایت ۱۸/۶ درصد رضایت زیادی از زندگی در محله داشته‌اند. بنابراین در هر دو شهر میزان عدم رضایت قابل توجه است.

هر شهری از اجزاء کوچک‌تری به نام محله تشکیل شده و محلات حاشیه هم در حکم اندامی از اندام‌های شهری هستند. امنیت این محلات عنصر مهمی برای حاشیه‌نشینان به‌خصوص زنان و دختران است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که در منطقه جعفرآباد کرمانشاه ۳۲/۷ درصد زنان از امنیت محله رضایت کمی داشته‌اند، ۲۹/۴ درصد رضایت متوسط، ۲۳/۵ درصد رضایت زیاد و ۱۳/۷ درصد زنان پاسخ‌گو از امنیت محله اصلاً راضی نبوده‌اند. در میان زنان حاشیه‌نشین همدان نیز ۱۶/۷ درصد رضایت کم، ۳۷/۲ درصد رضایت متوسط، ۳۲/۱ درصد رضایت زیاد و ۱۴ درصد از زندگی در محله هیچ‌گونه رضایتی نداشته‌اند. در مورد متغیر رضایت از خدمات شهرداری در منطقه حاشیه‌نشین کرمانشاه ۳۵/۳ درصد زنان ابراز کرده‌اند که از خدمات شهرداری رضایت کمی دارند، ۴۵/۸ درصد رضایت متوسط، ۷/۸ درصد رضایت زیاد و ۱۰/۵ درصد از خدمات شهرداری اصلاً راضی نبوده‌اند. در میان زنان حاشیه‌نشین همدان نیز ۳۲/۱ درصد رضایت کمی از خدمات شهرداری داشته‌اند، ۳۶/۳ درصد رضایت متوسط، ۸/۴ درصد رضایت زیاد و ۲۳/۳ درصد هیچ‌گونه رضایتی از خدمات شهرداری در محله نداشته‌اند.

وضعیت بهداشت در محلات حاشیه‌نشین مناسب نیست و همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد زنان حاشیه‌نشین همدان رضایت کم یا متوسط از وضعیت بهداشتی محله داشته‌اند، و این امر با عنایت به وضعیت بهداشتی پایین این محلات طبیعی به نظر می‌رسد. همانند بسیاری از مناطق کمتر توسعه‌یافته خانه‌داری اشتغال اصلی زنان در حاشیه‌هاست. در جعفرآباد نیز ۸۳ درصد زنان و در

مناطق حاشیه‌نشین همدان ۹۱/۶ درصد به خانه‌داری مشغول هستند، ۱۶/۳ نیز از دختران مجرد در کرمانشاه و ۸/۴ در همدان خود را بیکار معرفی نموده‌اند. سایر مشاغل نیز پراکنش بالایی ندارد. بیشتر مشاغلی نظیر خیاطی، آرایشگری و... در این نواحی رونق زنانه دارند. سنجش رضایت از شغل به دلیل اشتغال عمده به صورت خانه‌داری بیشتر معطوف به رضایت از شغل همسر بوده است.

نهادهای دولتی مانند شهرداری که مستقیماً با مسائل حاشیه‌نشینان در ارتباط هستند می‌توانند شاخصی از رضایت مردم از سازمان‌های متولی باشد. در مجموع ۴۶/۴ درصد زنان جعفرآباد از عملکرد شهرداری راضی نبوده‌اند یا رضایت کمی داشته‌اند، ۴۷/۱ درصد رضایت متوسط، و تنها ۵/۲ درصد رضایت زیادی داشته‌اند. در همدان نیز ۵۶/۷ درصد زنان دارای عدم رضایت و یا رضایت کم، ۳۳ درصد رضایت متوسط، و تنها ۱۰/۲ درصد رضایت زیادی از عملکرد شهرداری داشته‌اند.

به‌طور کلی حاشیه‌نشینان اعم از زن و مرد از عملکرد سازمان‌های مختلف درگیر در حاشیه‌ها رضایت متغیری دارند. بر اساس یافته‌های ما در مناطق حاشیه‌نشین کرمانشاه و همدان در مقایسه با سایر سازمان‌ها بیشترین رضایت پس از مرکز بهداشت از نیروی انتظامی است. این مطلب کاملاً قابل درک است که سازمان‌هایی مانند بهداشت و انتظامی به دلیل کمک به سلامتی و نظم مردم در این محلات کمتر در مقایسه با آموزش یا به‌ویژه شهرداری مورد گلایه واقع می‌شوند. به همین خاطر نظر زنان را در مورد عملکرد مرکز بهداشت و نیروی انتظامی جویا شدیم. در زمینه رضایت از عملکرد مرکز بهداشت ۴۲/۲ درصد زنان جعفرآباد رضایت کمی از عملکرد این نهاد داشته‌اند، ۴۵/۱ درصد رضایت متوسط، ۱۸/۳ درصد رضایت زیاد و ۹/۸ درصد هیچ‌گونه رضایتی نداشته‌اند. در مورد یافته‌های همدان نیز ۱۷/۷ درصد زنان رضایت کمی از عملکرد مرکز بهداشت داشته‌اند، ۳۸/۶ درصد رضایت متوسط، ۲۱/۴ درصد رضایت زیاد و ۲۰/۹ درصد اصلاً از عملکرد این مرکز راضی نبوده‌اند. در زمینه رضایت از عملکرد نیروی انتظامی نیز حدود ۲۳ درصد از زنان محله جعفرآباد رضایت کم، حدود ۳۶ درصد رضایت متوسط، ۲۹/۵ درصد رضایت زیاد و در نهایت ۱۰/۵ درصد زنان هیچ‌گونه رضایتی نداشته‌اند. بررسی یافته‌ها در همدان نیز نشان‌دهنده آن است که ۱۹ درصد زنان رضایت کم، ۳۸ درصد رضایت متوسط، حدود ۲۲ درصد رضایت زیاد و حدود ۲۱ درصد اصلاً از عملکرد این سازمان راضی نبوده‌اند.

هم‌چنان که قبلاً مرور شد میزان بی‌سوادی و کم‌سوادی در نقاط حاشیه‌نشین بالاست و بهبود وضعیت آموزش نیز از درخواست‌های عموم مردم حاشیه‌نشین است. بر اساس یافته‌ها حدود ۳۶ درصد زنان حاشیه‌نشین کرمانشاهی از عملکرد آموزش و پرورش رضایتی نداشته‌اند و یا رضایت کمی داشته‌اند، ۴۳/۱ درصد رضایت متوسط، و تنها ۱۸/۳ درصد رضایت زیادی داشته‌اند. و در میان زنان حاشیه‌نشین

همدان نیز حدود ۳۰ درصد عدم رضایت و رضایت پایین وجود دارد، ۴۱/۴ درصد رضایت متوسط، ۲۵/۶ درصد رضایت زیادی از عملکرد آموزش و پرورش داشته‌اند.

جدول ۲. مقایسه میزان رضایت زنان حاشیه‌نشین در هر دو شهر

همدان				کرمانشاه				مقیاس رضایت از
اصلاً	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	زیاد	متوسط	کم	
۱۷/۷	۱۳/۰	۵۴/۰	۱۵/۳	۱۱/۸	۱۱/۸	۶۲/۱	۱۳/۷	زندگی در شهر
۲۳/۳	۱۸/۶	۴۰/۵	۱۷/۷	۱۷/۶	۲۰/۳	۳۷/۹	۲۳/۵	زندگی در این محله
۱۴/۰	۳۲/۱	۳۷/۲	۱۶/۷	۱۳/۷	۲۳/۵	۲۹/۴	۳۲/۷	امنیت در این محله
۲۳/۳	۸/۴	۳۶/۳	۳۲/۱	۱۰/۵	۷/۸	۴۵/۸	۳۵/۳	خدمات شهرداری در این محله
۲۸/۴	۷/۴	۳۴/۴	۲۹/۸	۸/۵	۸/۵	۴۹/۷	۳۲/۰	وضعیت بهداشتی در این محله
۲۹/۸	۱۲/۶	۲۸/۸	۱۳/۵	۳۴/۰	۴/۶	۱۵/۰	۱۳/۱	کار و شغل خود
۳۳/۰	۱۰/۲	۳۳/۰	۲۳/۷	۱۲/۴	۵/۲	۴۷/۱	۳۴/۰	عملکرد شهرداری
۲۰/۹	۲۱/۹	۳۸/۱	۱۹/۱	۱۰/۵	۲۹/۴	۳۵/۹	۲۲/۹	عملکرد نیروی انتظامی
۲۰/۹	۲۱/۴	۳۸/۶	۱۷/۷	۹/۸	۱۸/۳	۴۵/۱	۲۴/۲	عملکرد مرکز بهداشت
۱۵/۸	۲۵/۶	۴۱/۴	۱۴/۹	۱۵/۰	۱۸/۳	۴۳/۱	۲۰/۹	عملکرد آموزش و پرورش

شناخت آمال گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای به برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی کمک می‌کند. در پژوهش انجام شده از پاسخ‌گویان خواسته شد که مهم‌ترین آرزویشان را بیان کنند که در میان زنان حاشیه‌نشین جعفرآباد آرزوی بهتر شدن وضع زندگی با ۲۰/۵ درصد مهم‌ترین آرزوی پاسخ‌گویان بوده که شامل بهتر شدن درآمد، داشتن کار ثابت برای همسران و... می‌شده است. در مراتب بعدی قبولی در دانشگاه و موفقیت تحصیلی که عموماً آرزوی دختران محصل بوده است، قرار گرفته است. همچنین آرزوی داشتن خانه و مسکن با ۱۱/۲ درصد، رفتن به مشهد، کربلا و مکه با ۹/۴ درصد، خوشبختی بچه‌ها و ازدواجشان با ۸/۷ درصد و رفتن از این محله به جای بهتر با ۷/۴ درصد مهم‌ترین آرزوی این زنان بوده است. زنان حاشیه‌نشین همدان نیز مهم‌ترین آرزویشان به ترتیب داشتن خانه و مسکن با ۱۴/۹ درصد، خوشبختی بچه‌ها و ازدواجشان با ۱۴ درصد، بهتر شدن وضع زندگی و رفتن از این محله و رفتن به جای بهتر با ۷/۲ درصد و سلامتی خانواده با ۸/۹ درصد مهم‌ترین آرزوها را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳. مقایسه مهم‌ترین آرزوهای زنان و مقایسه آن در حاشیه‌های دو شهر

همدان	کرمانشاه	مهم‌ترین آرزو
۱۰/۲	۲۰/۵	بهبود شدن وضع زندگی
۱۴/۹	۱۱/۲	داشتن خانه و مسکن
۱۴/۰	۸/۷	خوشبختی، ازدواج و عروسی فرزندان
۳/۳	۹/۴	رفتن به مکه، کربلا و مشهد
۱/۹	۲	کم شدن اعتیاد، آرزوی مرگ
۴/۷	۳/۹	رسیدگی مسئولین به محله
۹/۸	۸	سلامتی خانواده
۲/۸	۱۲/۵	قبولی در دانشگاه و موفقیت تحصیلی
۱۰/۲	۷/۴	رفتن از این محله و رفتن به جای بهتر
۰/۹	۵/۲	آرزوی خاصی ندارم

مسائل و آسیب‌های اجتماعی

زندگی در حاشیه‌ها همواره مسائل و مشکلاتی عدیده‌ای برای ساکنین این مناطق به وجود می‌آورد که مهاجران برای رهایی از مسائل روستا و مشکلات خود به این مناطق پناه آورده‌اند. هم‌چنان‌که یافته‌ها نشان می‌دهد زنان حاشیه‌نشین کرمانشاه مهم‌ترین مشکل خود (و البته خانواده) را آسفالته نبودن کوچه‌ها با ۲۲/۳ درصد بیان کرده‌اند، در رده‌های بعدی عدم امنیت و وجود درگیری با ۱۸/۶ درصد، اعتیاد، وجود زیاد معتاد و فروش مواد مخدر با ۱۶/۳ درصد، فقر و بی‌پولی با ۱۲/۷ درصد، کمبود امکانات رفاهی با ۱۰/۱ درصد، جمعیت زیاد (شلوغی و ازدحام) با ۸/۱ درصد و ولگردی زیاد با ۶/۹ درصد مهم‌ترین مشکلات این حاشیه‌نشینان بوده است. زنان حاشیه‌نشین همدان نیز مهم‌ترین مشکل خود را به ترتیب فقر و بی‌پولی با ۱۱/۶ درصد، عدم رسیدگی شهرداری، جمعیت زیاد (شلوغی و ازدحام) با ۵/۱ درصد، کمبود امکانات رفاهی با ۴/۲ درصد دانسته‌اند. این فهرست می‌تواند برای سازمان‌های متولی مسائل زنان مانند بهزیستی و مدیریت شهری راهنمای خوبی برای برنامه‌ریزی توسعه و ارتقای کالبدی باشد. هم‌چنین فرزندان دختر در خصوص مهم‌ترین مشکلات، به ترتیب بیکاری و در خانه ماندن، نبود کانون‌های فرهنگی برای دختران، نبود امنیت برای دختران، دور بودن مدرسه، مشکل مالی، محیط اجتماعی بد محله و... را بیان کرده‌اند.

آسیب‌های اجتماعی

نام محلات حاشیه همواره با بروز انواعی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی همراه است. مطالعات شهری و تحقیقات تجربی مربوط به انحرافات اجتماعی نیز حکایت بر بالا بودن میزان انواع آسیب‌ها در این نواحی در اغلب کشورهای جهان دارد. از نظر ۶۹/۳ درصد زنان کرمانشاه، اعتیاد در محله‌شان زیاد است، در مقایسه ۵۸/۶ درصد زنان حاشیه‌نشین همدان نیز معتقد بوده‌اند که اعتیاد زیاد است. همچنین نتایج یک تحقیق در نواحی حاشیه شهر نشان می‌دهد که در منطقه جعفرآباد مصرف کننده‌های تفنی زن و مرد در خانواده‌های مصرف کننده برابر است و این خطر فرهنگ مصرف در این منطقه را نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اعتیاد با توجه به آمارها در تعدادی از مناطق وارد سلیقه عمومی گردیده و ممکن است به زودی وارد معیشت آنان شود. محله جعفرآباد در طرح وضعیت مصرف در خانواده‌های منطقه دهگانه خوشه‌بندی مصرف مواد مخدر در شهر کرمانشاه رتبه سوم را پس از چمن و بیست و دو بهمین کسب نموده است (دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۷). به‌طور طبیعی وقتی اعتیاد بالا باشد مستلزم خرید و فروش آن در این محلات است. جدول ذیل بیانگر آن است که از دید بیش از نیمی از زنان (۵۱/۶ درصد) کرمانشاه فروش مواد مخدر در محله زیاد است. در میان زنان حاشیه‌نشین همدانی نیز ۴۶/۵ درصد معتقدند که در محله مواد مخدر زیاد به فروش می‌رسد. در مورد وجود قمار نیز در محله جعفر آباد حدود ۳۵ درصد زنان به وجود این مسئله نیز اشاره کرده‌اند.

جدول ۴. مقایسه میزان آسیب‌های اجتماعی در حاشیه هر دو شهر

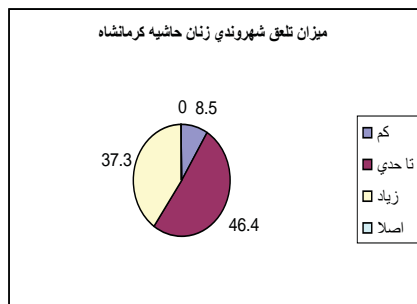
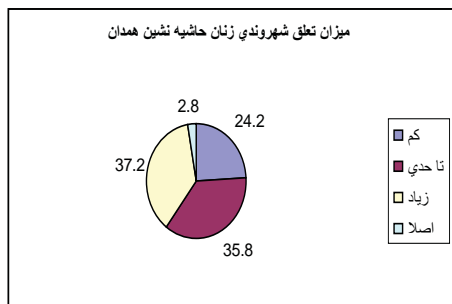
همدان				کرمانشاه				مقیاس آسیب‌ها
اصلاً	زیاد	تا حدودی	کم	اصلاً	زیاد	تا حدودی	کم	
۷/۰	۵۸/۶	۱۴	۱۸/۱	۷/۸	۶۹/۳	۱۰/۵	۱۱/۱	اعتیاد
۱۴/۹	۴۶/۵	۱۳/۵	۲۰/۰	۱۱/۸	۵۱/۶	۲۴/۲	۱۰/۵	فروش مواد مخدر
۳۲/۱	۱۴/۰	۱۴/۹	۳۶/۷	۱۳/۱	۳۰/۷	۳۳/۳	۲۲/۹	دزدی
۲۹/۳	۲۰/۰	۱۶/۷	۳۰/۷	۳۴/۶	۷/۲	۱۵/۷	۴۱/۸	فساد و فحشا
۲۲/۸	۲۵/۱	۲۱/۹	۲۹/۳	۸/۵	۵۰/۳	۲۷/۵	۱۳/۷	دعوا و درگیری
۱۸/۶	۵۲/۱	۱۱/۶	۱۴/۹	۱۰/۵	۵۵/۶	۲۳/۵	۹/۸	ولگردی
۳۵/۸	۱۹/۱	۱۱/۶	۲۴/۷	۲۳/۵	۱۹/۶	۱۵/۰	۳۹/۹	فروش و مصرف مشروبات الکلی
۰/۷	۸۵/۱	۵/۶	۳/۷	۰/۷	۹۵/۴	۳/۳	۰/۷	بیکاری
۳/۳	۷۷/۲	۹/۳	۸/۸	۰/۷	۸۶/۳	۹/۸	۲	فقر

برچسب اجتماعی رایج این است که اغلب سرقت‌ها توسط برخی از سکنه حاشیه‌ها صورت می‌گیرد (البته نه اختلاس‌های یقه سفیدانه). در مورد این آسیب اجتماعی ۳۰/۷٪ از زنان حاشیه‌نشین کرمانشاه بیان کرده‌اند که دزدی در محله زیاد است. در منطقه حاشیه‌نشین همدان نیز ۱۴ درصد زنان معتقد بوده‌اند که دزدی در محله زیاد وجود دارد. بر اساس یافته‌ها ۷/۲ درصد از زنان جعفرآباد بیان کرده‌اند که در محله فساد زیاد می‌باشد. از زنان حاشیه‌نشین همدان نیز ۲۰ درصد معتقد به زیاد بودن فساد داشته‌اند. در تحقیقات متعدد در سکونتگاه‌های غیررسمی به یکی از مشکلاتی که اشاره می‌شود، بالا بودن نزاع‌های اجتماعی در این مناطق است. در این بررسی از زنان هم در مورد دعوا و درگیری در محله پرسیده شد که ۵۰/۳ درصد زنان کرمانشاه ابراز کرده‌اند که دعوا و درگیری در محله آن‌ها زیاد است. زنان حاشیه‌نشین همدان نیز ۲۵/۱ درصد زیاد بودن دعوا را مطرح کرده‌اند. به دلیل بافت‌های سیال و نو پا و گمنامی ناشی از تازه وارد بودن در محلات حاشیه فرصت برای وجود لمپنیزم زیاد است. از نظر حدود ۷۹ درصد زنان جعفرآباد و ۶۳ درصد در همدان معضلی به نام ولگردی در محله وجود دارد. از مقایسه فروش و مصرف مشروبات الکلی، به نظر حدود یک سوم از زنان در محله مورد اشاره مسئله‌ایی به نام فروش و مصرف مشروبات الکلی در محلاتشان محسوس است.

برای مقایسه وجود بیکاری در محله، از پاسخ‌گویان در مورد وجود بیکاری در محله پرسیده شد که در میان زنان حاشیه‌نشین کرمانشاهی ۹۵/۴ درصد پاسخ داده‌اند که بیکاری در محله زیاد وجود دارد. زنان حاشیه‌نشین همدان نیز ۸۵/۱ درصد به زیاد بودن بیکاری اعتراف کرده‌اند. مقایسه وجود فقر در محله هم‌چنان که داده‌ها نشان می‌دهد در میان زنان کرمانشاه ۸۶/۳ درصد بیان کرده‌اند که فقر در محله زیاد است. از میان پاسخ‌گویان همدانی نیز ۷۷/۲ درصد پاسخ داده‌اند که در محله فقر زیاد است. موضوعی که برای مدیریت شهری چالشی اساسی محسوب می‌گردد یا باید چنین باشد.

تعلق شهروندی و مدیریت شهری

با توجه به اینکه در هر دو شهر نزدیک به یک سوم از جمعیت سکنه را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند، میزان تعلق خاطر یا برعکس بی‌تعلقی آن‌ها به شهر و مسائل آن برای مدیریت شهری بسیار مهم است. در همین زمینه در ایده‌های کلان درباره حاشیه‌نشینان مطرح می‌شود که آن‌ها فقط به‌صورت فیزیکی خانه‌های خود را در شهر بنا می‌کنند اما ریشه در تعلقات روستایی یا دیار مبداء خود دارند. بر اساس یافته‌ها در میان زنان حاشیه‌نشین کرمانشاه تنها حدود ۳۷ درصد دارای تعلق شهروندی زیاد بوده‌اند و این در مورد زنان همدان نیز درصد مشابهی (۳۷ درصد) ابراز تعلق زیادی به همدان کرده‌اند.



نمودار ۳. مقایسه تعلق شهروندی زنان

یافته‌های استنباطی

در این بخش فرضیه‌های تحقیق با آزمون‌های معتبر آماری مورد سنجش قرار خواهد گرفت: فرضیه اول: بین سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد: برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بر اساس این آزمون ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۰۸) درصد می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و ضعیفی بین سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند معتقد بوده‌اند که میزان آسیب‌های اجتماعی در محله زیاد می‌باشد و بالعکس کسانی که سابقه کمتری داشته‌اند معتقد بوده‌اند که میزان آسیب‌های اجتماعی در محله کم می‌باشد. با توجه به آنکه سطح معناداری محاسبه شده (Sig = ۰/۰۴) کوچک‌تر از آلفای تحقیق ($\alpha = ۰/۰۵$) می‌باشد از همین رو فرض تحقیق پذیرفته می‌شود و نشان‌دهنده این است که همبستگی بین متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۵. ضریب همبستگی سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی

نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی		سابقه سکونت
Sig	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۴	۰/۰۸	

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین باروری زنانی که سابقه سکونت بیشتری در حاشیه دارند، متفاوت از آن‌هایی است که اخیراً در حاشیه اسکان یافته‌اند: برای آزمون این فرضیه نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و ضعیفی (۰/۲۱) بین سابقه سکونت و باروری

وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند دارای تعداد فرزندان بیشتری بوده‌اند نسبت به کسانی که سابقه سکونت کمتری داشته‌اند. با توجه به آنکه سطح معناداری محاسبه شده ($\text{Sig} = 0/00$) کوچک‌تر از آلفای تحقیق ($\alpha = 0/05$) می‌باشد از همین‌رو فرض تحقیق پذیرفته و فرض صفر رد می‌شود. به عبارت دیگر همبستگی بین متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۶. ضریب همبستگی سابقه سکونت و باروری

باروری زنان		
Sig	ضریب همبستگی پیرسون	
0/00	0/21	سابقه سکونت

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین سابقه سکونت، سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد: این فرضیه خود از دو فرضیه فرعی تشکیل شده است: الف) بین سابقه سکونت و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی منفی و ضعیفی ($-0/02$) بین سابقه سکونت و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند رضایت کمتری از عملکرد نهادهای رسمی داشته‌اند نسبت به کسانی که سابقه سکونت کمتری داشته‌اند. اما از آنجا که سطح معناداری محاسبه شده ($\text{Sig} = 0/57$) بزرگ‌تر از آلفای تحقیق ($\alpha = 0/05$) می‌باشد از همین‌رو فرض تحقیق رد و فرض صفر پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر همبستگی بین متغیرها معنادار نمی‌باشد. ب) بین سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد. سنجش این فرضیه بیانگر رابطه منفی و ضعیف ($-0/09$) بین سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی است. به عبارت دیگر مسن‌ترها رضایت کمتری نسبت به جوان‌ترها از عملکرد نهادهای رسمی داشته‌اند. با توجه به سطح معناداری محاسبه شده ($\text{Sig} = 0/02$) از همین‌رو فرض تحقیق پذیرفته می‌شود و رابطه بین متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۷. ضریب همبستگی سابقه سکونت، سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی

رضایت از عملکرد نهادهای رسمی		
Sig	ضریب همبستگی پیرسون	
0/57	-0/02	سابقه سکونت
0/02	-0/09	سن

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین سن با مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی رابطه وجود دارد. این فرضیه نیز در برگیرنده دو فرضیه فرعی است: الف) بین سن و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. یافته‌ها در این زمینه بیانگر رابطه مثبت و ضعیف (۰/۱۳) بین سن و مشارکت اجتماعی است. به عبارت دیگر مسن‌ترها مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به جوان‌ترها داشته‌اند. با توجه به سطح معناداری محاسبه شده (Sig=۰/۰۲) از همین‌رو فرض تحقیق پذیرفته می‌شود و رابطه بین متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۸. ضریب همبستگی سن و مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی		سن
Sig	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۲	۰/۱۳	

ب) بین سن و تعلق شهروندی رابطه وجود دارد. برای سنجش این فرضیه از آزمون F استفاده گردید. نتایج حاصله از تحلیل واریانس برابر با (F=۹۸۶) شده است. از آنجا که سطح معناداری به دست آمده (Sig=۰/۰۵) بزرگ‌تر از (α=۰/۰۵) می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت این تفاوت معنادار نیست و فرض تحقیق رد می‌شود.

جدول ۹. آزمون ANOVA

Sig	F	df	
۰/۵۰	۰/۹۸۶	۶۳	بین گروهی
		۴۵۹	درون گروهی

بحث و نتیجه گیری

رشد شهری ایران طی دهه‌های اخیر بسیار شتابان و گسترده بوده است؛ یکی از نتایج این سرعت رشد، عدم تکافوی منابع شهری از جمله مسکن، اشتغال و... با سرعت رشد جمعیت ناشی از افزایش طبیعی و مهاجرت به شهرها بوده و این پدیده خود را به اشکال مختلف از جمله شکل‌گیری مناطق حاشیه نشان داده است. در شهر کرمانشاه نیز همانند بسیار از مناطق کشور طی ۵۰ سال اخیر رشد شهرنشینی چشمگیر بوده به گونه‌ای که میزان شهرنشینی از ۲۶/۳ در سال ۱۳۳۵ به ۶۱/۸ (رقم مطلق جمعیت شهر از ۱۲۵۴۳۹ نفر در ۱۳۳۵ به ۷۹۴۸۶۳ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. در حال حاضر نزدیک به یک میلیون نفر جمعیت را

در خود جای داده است) بالغ شده است. در همدان هم وضعیت مشابهی طی شده است و میزان شهرنشینی از ۹/۲۵ درصد در ۱۳۴۵ به حدود ۴۷۹۰۰۰ (رقم مطلق جمعیت شهر از ۹۹۹۰۹ به حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر در حال حاضر) رسیده است. همچون همه شهرهای ایران بخش مهمی از رشد شهری در هر دو شهر مورد بررسی در نقاط حاشیه نمود یافته است. به طوری که حاشیه‌نشینان کرمانشاه جمعیتی بالغ بر ۲۲۵۰۹۷ نفر یعنی ۲۵ درصد جمعیت شهری و حاشیه‌نشینان همدان حدود ۳۰ درصد کل خانوارهای شهر را به خود اختصاص داده‌اند.

علاوه بر رقم مطلق و درصد قابل توجه حاشیه‌نشینان دو شهر، باید به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دیگر در نقاط مذکور از جمله ساخت جوان جمعیت در این مناطق و بُعد بالای خانوار نیز توجه نمود. در کنار ویژگی‌های فوق، اشتغال فقط مردان خانوار (و البته زنان سرپرست)، افزایش بار تکفل در خانوارها را سبب شده و اندک امکانات به دست آمده بین افراد بیشتری تقسیم می‌شود. البته نباید از افزایش تعداد زنان حاشیه‌نشین که در سالیان اخیر به دلیل بدتر شدن اوضاع اقتصادی خانوارها در قالب‌های مختلف از جمله شرکت‌های خدماتی، انجام کارهای منزل در سالیان اخیر کار می‌کنند و یا به اشکال سنتی کارگران زن (کلفتی و نظافت) برای نظافت منازل به کار گمارده می‌شوند، غفلت کرد. در نقاط حاشیه دو شهر مورد بررسی نسبت زنان سرپرست خانوار در مقایسه با دیگر مناطق بالاست و معمولاً سازمان‌های حمایتی مانند بهزیستی و امداد در این مناطق بیشتر فعال هستند و نیز علی‌رغم بافت نسبتاً سنتی فرهنگ حاشیه‌نشینان در هر دو شهر نسبت زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند ۱۵ سال و بیشتر است که این امر قابل توجه و نشانی از جدی بودن تاخیر در ازدواج در جامعه است. از نکات قابل توجه در حاشیه‌ها میزان بالای باروری جمعیت می‌باشد که به گفته خوزه دو کاسترو، باروری بالا و فرزندزایی زیاد آن‌ها یکی از محصولات شرایط فقر است. البته باروری بالا نیز موجب دور باطل (چرخه شیطانی) فقر می‌شود (نقدی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). در محلات حاشیه همدان (میانگین فرزندزایی) بالا بوده و حدود ۳۹ درصد زنان مورد بررسی بیش از ۵ فرزند زنده به دنیا آورده داشته‌اند.

وضعیت کالبدی نقاط حاشیه عینی‌ترین نمود این نواحی است که از نظر بافت شهری، نوع معماری و مسکن آن‌را از سایر نقاط شهری مجزا می‌کند. واحدهای مسکونی کوچک و تعداد افراد (سرانه مسکن) ساکن در هر واحد مسکونی زیاد هستند، مسکن نوعاً کم دوام یا بی‌دوام و شکل هندسی محلات و معابر دارای فرم هماهنگ و مناسبی نیستند و مجموعه این شرایط کار بهسازی و بهبود ساختار کالبدی این مناطق را با مشکل مواجه می‌کند. تراکم بسیار زیاد خانوار و تعداد زیاد نفر در هر واحد مسکونی از یک طرف و متراژ نسبتاً پایین خانه‌ها مسائل تربیتی خاصی را در این مناطق سبب می‌شود. میزان درآمد و

هزینه خانوارهای حاشیه ناچیز است به طوری که در حاشیه کرمانشاه میانگین درآمد ۱۳۳ هزار تومان و ۱۳۵۰۰۰ تومان (در زمان گردآوری داده‌ها) در همدان بوده است.

از نظر رضایت، ساکنان بیشتر از سازمان‌هایی که خدمات روزمره و عام ارائه می‌کنند راضی هستند تا سازمان‌هایی که با زندگی و معیشت آن‌ها رابطه سختگیرانه‌تری دارند (رضایت به ترتیب بیشترین تا کمترین: آموزش و پرورش، نیروی انتظامی، بهداشت و شهرداری). از بُعد آسیب‌های اجتماعی موجود در محله، به دلیل بافت چندگانه فرهنگی و اجتماعی و گمنامی و تازه وارد بودن در کنار ویژگی‌های اقتصادی مانند میزان بالای بیکاری، بافت متراکم جمعیت سبب شده تا میزان آسیب‌های اجتماعی در این نقاط بالا باشد. بر اساس گزارش‌های غیر رسمی در همدان اغلب زنان روسپی و ویژه، ساکن مناطق خضر و دیزج هستند و این امر در مشاهدات و گفتگوهای با مردم بسیار مورد تاکید بود و حتی حلق آویز شدن معتادان در دیزج امری روزمره شده است. در ثبت دیوار نوشته‌های حصار مطهری در محله دیزج بارها این مضمون دیده شد: ای قاچاقچی کثیف دست از این کار کثیف بردار، مرگ بر قاچاقچی کثیف و... البته بلافاصله باید گفت جرایم در مناطق پایین به دلایل مختلف بیشتر نمایان می‌شوند تا در محلات برخوردار شهری که در اصطلاح به آن‌ها رقم سیاه جرایم می‌گویند و نیز باید دامن زنان بی‌شماری را در این محلات از هرگونه بزه مبرا دانست و از طرفی زنان آسیب دیده نیز بر اثر مشکلات اقتصادی و فرهنگی به این معضلات گرفتار شده‌اند.

بر اساس یافته‌های استنباطی تحقیق نیز بین سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی همبستگی مثبت و ضعیفی وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند معتقد بوده‌اند که میزان آسیب‌های اجتماعی در محله زیاد می‌باشد و بالعکس. در مورد فرضیه دوم نیز همبستگی مثبت و ضعیفی بین باروری زنان و سابقه سکونت وجود دارد؛ یعنی کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند نسبت به کسانی که سابقه سکونت کمتری داشته‌اند، دارای تعداد فرزندان بیشتری بوده‌اند. یافته‌ها در مورد فرضیه سوم نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار بین سابقه سکونت و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی است اما بین سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. به عبارت دیگر مسن‌ترها رضایت کمتری نسبت به جوان‌ترها از عملکرد نهادهای رسمی داشته‌اند. بررسی فرضیه چهارم نیز نشان می‌دهد که بین سن و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر مسن‌ترها مشارکت بیشتری نسبت به جوان‌ترها داشته‌اند.

پیشنهادها

با توجه به مطالعات و مشاهدات محققان و براساس یافته‌های این مقاله در ذیل پیشنهادهایی در جهت ساماندهی بهتر حاشیه‌ها با تاکید خاص بر مسائل زنان آمده است:

- زنان در نهادهای رسمی و غیر رسمی مدیریت شهری حضور چشم‌گیر ندارند، از همین‌رو مشارکت و حضور بیشتر زنان در شوراهای محله در مناطق حاشیه برای شناسایی و اولویت‌بندی و مشاوره اجرایی در خصوص مسائل محله و حل و فصل مشارکتی آن‌ها با تاکید بر طرح بحث زنان حاشیه‌نشین مورد توجه قرار گیرد.

- زنان همانند مردان و عموم مردم حاشیه بیشتر بر نیازهای عینی و کالبدی مانند آسفالت کوچه‌ها، رفع کمبودهای بهداشتی و دسترسی به خدمات آموزشی به‌ویژه دبیرستان‌های دخترانه تاکید دارند. برای درک عمیق‌تر از مسائل و انگاره‌های ذهنی زنان حاشیه‌نشین به نظر می‌رسد مطالعات کیفی و مشارکتی بهتر جوابگو باشد.

- به دلیل ارتباط مستمر زنان با محله و حضور بیشتر در ساعات روز در این مناطق، کالبد بیمار محلات باعث روان‌نزدی زنان می‌گردد. از همین‌رو بهسازی کالبدی و فیزیکی در رونق اقتصادی، بهداشت و دلبستگی اهالی به محیط و محله و حتی کاهش خشونت و وندالیسم در این مناطق تاثیرگذار است.

- زنان در مقایسه با مردان تمایل کمتری به بازگشت دارند (هرچند در مورد مردان نیز این تمایل درصد بالایی را پوشش نمی‌دهد) و اساساً تئوری مهاجرت معکوس در ایران تا اطلاع ثانوی، محلی از اعراب ندارد.

- میزان عدم رضایت تابعی از وضعیت کلی محلات حاشیه است و نقاطی مانند جعفرآباد و دیزج از سایر مناطق بالاتر است بنابراین مجموعه مدیریت شهری بایستی به این محلات توجه بیشتری نمایند. - دختران نسل دوم حاشیه‌نشینان زودتر از همه اعضا با فرهنگ شهری ادغام می‌شوند و با والدین خود تفاوت‌های بسیاری دارند و باید به‌صورت دیگری با آنان برخورد و مدیریت شود.

- نسبت بی‌سوادی و کم‌سوادی در بین زنان حاشیه‌نشین هر دو شهر بالا می‌باشد و لازم است سازمان‌های آموزش و پرورش به این امر توجه جدی نمایند.

- زنان را باید به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف در کلیه طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی حاشیه‌ها مورد توجه جدی قرار داد.

- ایجاد فرصت‌های اشتغال برای زنان به‌خصوص دختران جوان در نقاط حاشیه هم به لحاظ اقتصادی و هم اجتماعی برای جامعه زنان مفید خواهد بود.

- از آنجا که حاشیه‌ها بخش قابل توجهی از جمعیت و حتی اشتغال ساکنان رسمی یا غیررسمی شهرها را در خود جای می‌دهند و در نهایت بخشی از هر شهر خواهند شد (زیرا در بلندمدت مدیریت‌های شهری همه حاشیه‌ها را با همه مسائل آن‌ها به رسمیت می‌شناسند و در گذشته نیز چنین شده است). لازم است مسئولین امر با اتخاذ سیاست‌های حساب شده و با برخورد ریشه‌ای و منطقی به توسعه اجتماعی حاشیه‌های شهری از طریق اجرای توانمندسازی مردم با نگاه به تجارب جهانی و درک شرایط ایران کمک کنند. به‌جای ساختن خانه‌های یک شبه بهتر است مساکنی بنا شود که حداقل‌های مهندسی‌سازی را داشته باشد.

منابع

منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. انتشارات کیهان، تهران.
- اعتماد، گیتی (۱۳۸۲). *ویژگی‌های کالبدی محله‌های حاشیه‌نشین در مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)*. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- ربانی، رسول و افشارکهن، جواد (۱۳۸۱). *حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری؛ مطالعه موردی منطقه ارزان اصفهان در سال ۱۳۸۰*. *مجله فرهنگ اصفهان*، (۲۳)، ۸۱-۸۹ و (۲۴)، ۹۵-۱۰۱.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹). *حاشیه‌نشینی*. نشر دانشگاه شیراز، شیراز.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و زهره آذرگون (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال مناطق یک و پنج شهر شیراز*. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۳، (۵)، ۲۶-۵.
- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۱). *مهاجرت*. انتشارات سمت، تهران.
- سقای، مهدی (۱۳۸۸). *حاشیه‌نشینی در شهر کرمانشاه*.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۶). *حاشیه‌نشینی و امنیت*، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، وزارت کشور، تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵). *انسان‌شناسی شهری*. نشر نی، تهران.
- لوپیس، اسکار (۱۳۵۳). *فرهنگ فقر*، ترجمه مهدی ثریا، *نامه علوم اجتماعی*، ۱ (۴).
- محمودیان، حسین و حبیبه بی‌بی رازقی نصرآباد و محمدرضا کارگر شورکی، (۱۳۸۸). *زنان مهاجرت‌تحصیل‌کرده در تهران، فصلنامه پژوهش زنان*، ۷ (۴)، ۷۴-۵۱.
- مردانی، آزاده (۱۳۸۸). *تحلیل رابطه سطوح توسعه انسانی و جنسیتی با شاخص‌های محرومیت*. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۲ (۲)، ۳۱-۵۴.
- نقدی، اسداله (۱۳۹۰). *درآمدی بربرنامه ریزی و جامعه‌شناسی شهری*. انتشارات دانشگاه بوعلی.
- نقدی و همکاران (۱۳۸۴). *گزارش ارزیابی اجتماعی پروژه توسعه محلی بانک جهانی و وزارت کشور*.

نقدی، اسداله (۱۳۸۶). حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی (جهان چهارم). انتشارات فن آوران، همدان.
نقدی، اسداله (۱۳۸۸). مهاجرت و حاشیه‌نشینی. مجموعه مقالات پنجمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران.

منابع انگلیسی

- Butler, w, Edgar (1976), urban sociology, HarperCollins, New York.
- Eldering, L. Knorth, J. E. (2007). Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor in Their Everyday Lives: The European Experience. Journal of Child and Youth Care Forum, Vol. 27: No. 3, pp. 153-169.
- Ferguson, Alan (1986), Women's health in a marginal area of Kenya, Social Science & Medicine, Volume 23, Issue 1, 1986, Pages 17-29.
- HABITAT, UN. (2003). THE Challenges of SLUMS: global report on human settlements, 2003/ United Nations Human Settlements Programme. First published in the UK and USA in 2003 by Earth scan Publications Ltd.
- Hazarika, Indrajit. (2010). Women's Reproductive Health in Slum Populations In India: Evidence from NFHS-3, Journal of Urban Health: Bulletin of the New York Academy of Medicine.
- Izutsu T and A. Tsutsumi. (2009). Handbook of Disease Burdens and Quality of Life Measures (Quality of Life of Urban Slum Residents). Springer. New York.
- Magar, Veronica. (2003). Empowerment approaches to gender-based violence: women's courts in Delhi slums. Forum, Volume, Pages 509-523.
- Pryer et al, (2002), Livelihood, nutrition and health in Dhaka slums, Cambridge.
- Sanghera, J. (2003). The New Border Landers: Enabling Mobile Women and Girls for safe Migration and Citizenship Rights, Consultative Meeting on Migration and Mobility and how this movement affects women.